

# علیه بیکاری

## تعاونی های کارگری:

سوداها و تحرکات تازه

در جنبش کارگری ایران

صفحه ۲

بایدها و نبایدها - چراغ راه آینده

صفحه ۱۶

آنچه که پرداختن به مبحث تعاونی را ضروری میسازد دلایل عینی و نیاز مبرم به پاسخ به سؤالاتی است که مبارزات جاری بر آن تاکید میگذارد. فصل تعاونی ها در تاریخ مبارزه طبقاتی کارگران ایران بی بضاعت است، در طول این تاریخ، چه در زمان رژیم پهلوی و چه در حاکمیت جمهوری اسلامی، به درجات مختلف پدیده تعاونی ها در محیط های کارگری در جولان بوده است، اما هیچ وقت نتوانست توجه جدی جنبش کارگری را به خود معطوف دارد

## تعاونی های کارگری:

### سوداها و تحرک تازه در جنبش کارگری ایران

#### مقدمه

جنبش کارگری ایران در آستانه موج تازه و خیز بزرگی رو به جلو است. مساله تشکل و سازمان یافتگی محور این موج جدید را شکل داده است. باز بینی در زمینه تشکل بر شرایط عینی استوار است، ضرورت دارد و به یک نیاز فوری پاسخ میدهد... اعتصاب اخیر هفت تپه زمینه ها و جان تازه ای را برای جنبش کارگری به ارمغان آورد. این اعتصاب بیش از هر چیز نرم ها و روشها و مکانیزم های تا حال شناخته سازمانی و رهبری و به طریق اولی چگونگی پیشبرد اعتصابات را زیر و رو کرد؛ با برانزنگی تحسین آمیزی از بروز ضعفها و کمبودها ابایی به خرج نداد و آمادگی در پذیرش ایده های جدید را به نمایش گذاشت. شورا و مجمع عمومی بعلاوه تعاونی ها و مساله کنترل کارگری موارد برجسته و قابل توجه هستند. اعتصاب هفت تپه به هر نتیجه ای برسد، فقط به خاطر شتاب و موضوعیت راه حل های "جدید" در مقابل توده های کارگر و در مقابل رهبران و تشکل های آن، به یاد ماندنی و قابل ستایش خواهد ماند. به شورا و مجمع عمومی باید جداگانه پرداخت. این نوشته به مساله تعاونی ها اختصاص دارد.

فشرده کلام، اینجا استدلال میشود که چرا تعاونی های تولیدی کنترل کارگری یک سیاست غلط است، و در عوض، چرا و چگونه تعاونی های مصرف (توزیع) کارگری میتواند مستقیما و بلاواسطه محور یک سیاست رفرمیستی طبقاتی کارگری قرار بگیرد.

#### تعاونی ها: غفلت دیروز - توجه امروز

قدمت تعاونی های کارگری به قدمت جنبش سوسیالیستی کارگری جهانی و در ارتباط تنگاتنگ با آن است. در تاریخ صد و بیست ساله جنبش کارگری در ایران، تعاونی ها نمیتواند موضوع جدیدی باشد. جنبش کارگری در ایران، همواره پرتحرک ترین و قویترین از نوع خود در کل منطقه و چه بسا در جهان، در مقاطع طولانی سازمان یافته، متحزب، تحت تاثیر جریانات و ایده های چپ و کمونیستی قرار داشته، تقریبا تمامی پیشروان آن اگر نه

رادیکال و انقلابی، دست کم مستقیما مارکسیست بوده؛ و بارها با پرچم منافع خویش، نقش تعیین کننده ای را در جدلهای سیاسی جامعه ایفا کرده اند.

آنچه که پرداختن به مبحث تعاونی را ضروری میسازد دلایل عینی و نیاز مبرم به پاسخ به سوالاتی است که مبارزات جاری بر آن تاکید میگذارد. فصل تعاونی ها در تاریخ مبارزه طبقاتی کارگران ایران بی بضاعت است، در طول این تاریخ، چه در زمان رژیم پهلوی و چه در حاکمیت جمهوری اسلامی، به درجات مختلف پدیده تعاونی ها در محیط های کارگری در جولان بوده است، اما هیچ وقت نتوانست توجه جدی جنبش کارگری را به خود معطوف دارد. کند و کاش در زمینه و علل این عدم عطف توجه زمینه اصلی این نوشته خواهد بود. برای این منظور مختصرا تاریخچه صد ساله تعاونی ها و مشخصا تعاونی های کارگری از "اصل چهار" حکومت پهلوی تا شوراهای اسلامی و وزارت تعاون در جمهوری اسلامی، و از آنچه بنام بحران و افول تعاونی های توزیع دولتی در مراکز کارگری از آن نام برده میشود، مرور خواهد شد.

رو به آینده، با طرح و استدلال و بررسی چند و چون چند مولفه اساسی و مشخصا، تحولات اساسی در سیاستهای جمهوری اسلامی در راس طبقه بورژوا در مقابل جنبش کارگری، بحران معاش برای توده های کارگر، سنتهای اسفبار مبارزه ضد رژیمی، بحران ساختاری اتحادیه های کارگری در ایران سعی میشود شرایط عینی پیشرفتهای مبارزاتی و طبقاتی کارگری در مسیر تجربه "جدید" از تعاونی ها بدست داده شود و یا دست کم به پاکرفتن چنین بحثی خدمت موثری صورت پذیرد.

#### تعاونی ها در بونه آزمایش کلاسیک طبقه کارگر

تعاون به معنای همیاری و مشارکت اقتصادی - اجتماعی مردم زحمتکش قرنهای سابقه تاریخی را پشت سر خود دارد. ضرورت دارد که از همان ابتدا تفکیک با اتحادیه های صنفی قرون وسطی، مرکب از صاحبان حرفه و به منظور نیل به اهداف صنفی معین مورد تفکیک قرار داده شود. این اتحادیه ها مانند اتحادیه اصناف مختلف امروز هم کماکان فعالیت داشته و موجب سوء تفاهم و به انحراف کشیدن موضوع مطرح میگردند. در دوره رنسانس نیز همکاری میان تجار و صنایع اولیه اصطلاحا تعاونی نام گرفته که

در واقع معادل شرکت های سهامی عمل کرده اند.

دوره انقلاب صنعتی با بسط تولید و شکل گیری مناسبات کاپیتالیستی مصادف با شکافهای طبقاتی، استثمار و تسری بحران و بیکاری و سایر مکانیسم های سرمایه بصورت آلام و محرومیت طبقه کارگر و توده زحمتکش است. آیین حاکم اقتصاد آزاد بود، و هر فرد میبایست به توانایی خود و یا در بهترین حالت به خیریه ها متکی گردد. بزودی مکاتب گوناگون علیه نظام مبتنی بر سود سرمایه در عرصه تعاونی ها شکل گرفت و کل موجودیت و کارکرد آنها را دگرگون ساخت.

تا آنجا که مستقیماً به طبقه کارگر و ایده های سازمانیابی بر علیه مشقات روابط کاپیتالیستی مربوط باشد دو مکتب فرانسوی و انگلیسی در آن قابل شناخت است. سالهای دهه 1840 بخش بزرگی از مجادلات مارکس و انگلس صرف کلنجار و کنار آمدن با هر دوی این گرایشها در صفوف بخش مهمی از اروپا گردید. این مقطعی است که توسط تاریخ نویسان زندگینامه مارکس دوره ورود مستقیم مارکس در عرصه سازمندی عملی جنبش کارگری دسته بندی میشود. مشخصاً مارکس و انگلس درگیر سازمان دادن اتحادیه کمونیستها، سر و سامان دادن به اتحادیه ها و سازمانهای کارگری در اروپا و امریکا زیر چتر انترناسیونال اول هستند، مباحث درخشان و تاریخ ساز "فقر فلسفه" و تمایز طبقه کارگر از اصطلاح رایج بینوایان و مظلومان، "نقد برنامه گوتا" در هموار کردن کسب قدرت توسط جریانات کمونیستی و کارگری آلمان، مواجهه با کمون پاریس، دخالت در سرنوشت چارتیسم و ارائه مانیفست کمونیست از جمله نبردهای فکری این دوره هستند که جملگی سر پلی را با مبحث تعاونیها در خود دارند. در سالهای حول و حوش 1840 و 1850 در دل طوفان انقلاب ها و شورشهای کارگری در امریکا و اروپا، در حالیکه نمایندگان بورژوازی از یک سو و پیشروان طبقه کارگر از سوی دیگر کمتر شبی خواب آسوده بر چشمها داشتند، تلاشهای مارکس در انترناسیونال اول و اتحادیه کمونیستها روی یک محور خلاصه میشود: سازمان دادن مبارزه اقتصادی طبقه کارگر مبارزه سیاسی این طبقه است!

1- تلاش برای شناساندن اهمیت و چگونگی این مبارزات در بیداری خودآگاهی طبقه کارگر

2- خلاصی طبقه کارگر از راه حلهای پرطمطراق "سوسیالیستی"

با محتوای یتیم نوازانه و با افقهای پوچ

3- ایجاد اتحادیه های توده ای با اعضای آگاه و رزمنده و متعهد؛ و از جمله متکی به کمکهای مالی و حق عضویت

4- ایجاد فضا و روشهای اتحاد عمل میان گرایشها درون جنبش کارگری در عین ارزیابی های بیپروا

### تعاونیهای اوئن و مکتب رفرمیستی انگلیسی

طبقه کارگر انگلیس یکی از بزرگترین بسترهای نهضت های تعاونی است. رابرت اوئن از برجسته ترین نمایندگان سوسیالیسم تخیلی است. "دنیا اکنون از ثروت اشباع شده، هنوز امکانات پایان ناپذیر افزایش آن وجود دارد، با این حال بینوایی بیداد میکند... این وضع باید دگرگون شود."

اختصاص کارخانه نساجی با 2000 کارگر به یک مدل سوسیالیستی، برقراری روابط عاطفی با کارگران، پرداخت حقوق مناسب، منع کار کودکان، کاهش ساعات کار، ایجاد صندوق پس انداز کارگران و ...

دهکده های تعاونی (نیو هارمونی): اسکان و کار مشترک حدود هزار نفر در 1500 هکتار زمین، تولید و مصرف در کنار هم، فروش مازاد به خارج دهکده و ...

مارکس در مورد این تلاشها در بیانیه انترناسیونال جای شبیه بجا نمیگذارد:

الف) ما جنبش تعاونی را بعنوان یکی از نیروهای متحول گرداننده جامعه حاضر، جامعه ای که بر آشتی ناپذیری طبقات بنا شده، برسمیت میشناسیم. قابلیت عظیم تعاونی ها در این است که در پراتیک میتوانند نشان دهند که نظام کنونی مستبد و فلاکت آور انقیاد کار توسط سرمایه را میتوان منسوخ مرد و نظام جمهوری اتحادیه تولید کنندگان آزاد و برابر را جانشین آن ساخت.

ب) اما جنبش تعاونی که محدود به شکل هایی بسیار کوچک از انکشافی است که بردگان مزد بگیر منفرد بوسیله در هم آمیختن می توانند بوجود آورند، به تنهایی قادر نیست جامعه سرمایه داری را متحول گرداند ...

اوئن براین باور بود که با ایجاد و گسترش جزایر "سوسیالیستی" از طریق جلب توجه سرمایه داران و کارگران میتوان بتدریج کل جامعه را بدون نیاز به انقلاب دگرگون کرد.

### تعاونیهای پرودن و مکتب آنارشیستی فرانسه

پرودن ایجاد انواع و اقسام تعاونی ها، افتتاح . گشایش بانک معاوضه و غیره را بعنوان گریز از استثمار سرمایه داری توصیه مینمود. وی با دولت در هر شکل آن مخالفت می نمود و آنارشیزم را می ستود. او با شعار "مرک بر احزاب، مرگ بر دولت" خواستار "آزادی مطلق" همه افراد می شد.

### مارکس، تعاونیهای اتحادیه ها و مبارزه اقتصادی طبقه کارگر

آنچه ارجاع به مارکس را در این بحث بطور ویژه ضروری و توجیه میکند سه نکته است:

اول: تعاونیهای در تمام تاریخ خود با فعالیت اتحادیه ها بطور تفکیک ناپذیری گره خورده است. این اتحادیه ها هستند که سرخ تعاونی ها را در دست دارند. این راهی است که اتحادیه ها را در چاره جویی برای وضعیت اقتصادی کارگران عجین میسازد.

دوم: برای مارکس مبارزه اقتصادی طبقه با مبارزه گرسنگان و محرومان، مبارزه ای در چهارچوب کور و "هر چه دست آید غنیمت است"، هیچ قرابتی ندارد. به این معنا نه مرحله ای بدوی در مقابل مبارزه سیاسی، نه پیش شرط، بلکه خود مبارزه سیاسی است.

سوم: برای مارکس مساله دولت و قانون یک مساله محوری است. تمام مواضع آنارشیستی بر علیه دولت برای مارکس مادام که یک افشاگری از اعماق توحش کاپیتالیسم است قابل احترام میباشد. رفرم برای مارکس اکیدا شامل دستاوردهای کوچک است که میتواند با تبدیل شدن به یک اهرم قوی برای وادار ساختن دولت به تغییر قوانین موثر واقع شود. به این معنا تعاونی همانقدر که تغییرات عملی و مادی کوچک را در دستور قرار میدهد، تنها زمانی که در خدمت بسیج کارگران در مبارزه با سرمایه و طبقات حاکم نقش ایفا کند، سیاسی و انقلابی ترین ابزار جنبش کارگری است.

این دو نکته باز خوانی تازه ای از تمام تاریخ صد و بیست ساله از جنبش کارگری - کمونیستی ایران را بدست میدهد. این بازخوانی بخصوص رو به آینده و در حل معضلات دست بگریبان امروز حیاتی است. به این امر در ادامه نوشته پرداخته میشود.

### تعاونیهای رسمی و دولتی در ایران

آغاز کار تعاونی در ایران به تاسیس اولین تعاونی روستایی در شهرستان گرمسار در سال 1314 بازمیگردد. این مورد سرآغاز تاسیس تعاونی در چهارچوب یک مدل اقتصادی بورژوایی از طریق تشویق و آموزش عمومی و بکمک مساعدتهای مالی دولت صورت می گرفت که تا جمهوری اسلامی و تا به امروز هم ادامه دارد. این تاریخ بطور فشرده و گذرا معرفی میشود:

#### حکومت رضاشاه

- تا سال 1320 جمعاً سه تعاونی با 1050 عضو کشاورز.
- ماموریت ویژه رضا شاه به وزیر کشور برای جلب توجه و اعتماد عمومی
- آغاز فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی دولت امریکا تحت عنوان "اصل چهار"
- فعالیتهای سازمان جهانی کار برای راهنمایی و تشکیل تعاونی

#### حکومت پهلوی دوم

- تصویب قانون جدید و مدرن تعاونی ها در سال 1350 و تشکیل وزارتخانه ویژه
- اصلاحات ارضی و رشد سرطانی تعاونی روستایی برای خرید ماشین آلات
- تعداد تعاونی های کارگری اعم از کار و تولید، مصرف و اسکان در سال 1346 برابر با 1576 است که تا یازده سال بعدتر به 1673 افزایش می یابد.
- هیچ شواهد و آماری دال بر تعاونی های کارگری غیر دولتی در دست نیست. هر گونه فعالیت مستقل کارگری تحت تعقیب دستگاههای جاسوسی قرار گرفته است.

### دوران طلایی تعاونیهای دهه اول جمهوری اسلامی

- فاصله سالهای میان قیام 57 تا پایان جنگ را میتوان دوره طلایی از رشد تصاعدی و بی وقفه تعاونی ها نامید. این تعاونی ها اساساً در محیهای کارگری شکل گرفت اما نه از نظر اقتصادی و نه از نظر اجتماعی حاوی بار مثبتی برای طبقه و آحاد کارگر واقع نشد. یک هیاهوی پوچ، درد جانکاه توهم، تاوان سخت میلیونها کارگر در فقدان رهبران طبقاتی و کمونیست ... میتوان آنرا خلاصه کرد.
- دلایل رشد تعاونی ها در محیطهای کارگری
- تبلیغات مغلطه های اسلامی-سوسیالیستی
- روحیه مثبت سازندگی در توهم به پیروزی انقلاب
- بیکاری ناشی از بحران اقتصادی، بلاتکلیفی پس از انقلاب،

یک جامعه بشدت فقر زده با یک حکومت سوپر ارتجاعی در راس یک بورژوازی تازه بدوران رسیده ولی حریص، وحشی استثمارگر و مجهز به یک پلاتفرم روشن طبقاتی ضد کارگری موجودیت طبقه کارگر را در نقشه سیاسی و اجتماعی - اقتصادی ایران ثبت کرد. صرف زاویه توجه برنامه عملی این حزب به تعاونی ها گویای جهت گیری داهیان و پیشرو به پیشبرد منافع طبقه کارگر است، اما تعاونی ها بخودی خود چیز زیادی در مورد جایگاه این حزب در تاریخ دستاوردهای طبقه و جنبش کارگری در ایران نمیگوید. برای قضاوت درست و منصفانه تر باید به میدان اصلی ابراز وجود این حزب در جنبش اتحادیه های کارگری در ایران کنکاش کرد، سبک کار، نوع اتحادیه، افق و مکانیزم های روی آوری به طبقه کارگر ...

برای ادای حق مطلب در ادامه روی دو الگوی مسلم تاریخ جنبش کارگری جهان مکث خواهد شد که هر یک به نوبه خود تصویر اتحادیه های کارگری توده ای در دل جامعه ای ملو از تحولات سیاسی و اجتماعی است.

### یوسف افتخاری

افتخاری را باید اسطوره سازماندهی و اعتصاب نامید. او گلوله آتشی است که از دل فقر و استثمار و پراکندگی و عصیان نه محرومان بلکه طبقه کارگر را میبند و سازمان و اتحاد و مبارزه همه نشست و برخاستهای او با کارگران و خانواده های کارگری است. او اعجوبه تشکیل اتحادیه در هر جا که کارگر و استثمار هست، و حتی در زندان، میباشد. مطالعه فعالیتهای یوسف افتخاری از چند جهت با ارزش و غیر قابل اغماض است. سرگذشت و اسناد گرد آوری شده در کتاب خاطرات وی خواننده را با بسیاری ظرایف فعالیتی یک سازمانده بزرگ کارگری/ کمونیستی تاریخ ایران در دوره های اصلی تحولات مبارزه کارگری و در مراکز اصلی کارگری آشنا میسازد و بعلاوه او از سازمان دهندگان بزرگترین تشکیلات اتحادیه سراسری کارگری در ایران در سالهای 1320 است. درباره فعالیت فردی و تشکیلاتی او در زمینه تعاونی ها رد پای واضح را می توان سراغ گرفت. او مبتکر ایجاد اولین و تنها باشگاه ورزشی کارگران ایرانی در شرکت نفت آبادان است که پوشش محل تجمع کارگران و ترویج

جنگ و ... بخش عظیمی از کارگران صنعتی را به ایجاد تعاونی های تولیدی کوچک و عمدتاً نافرجام سوق داد.

- کانال توزیع کوپن و سبد کالایی به سمت شوراهای اسلامی به اسم تعاونی های مصرف جا زده شد.  
- دولت و کمیته امام با یک سرمایه ناچیز کارخانگی زنان و کودکان را به اسم تعاونی های اشتغالزای "میکرو اکونومی" سازمان بدهد، استثمار کند و تشویق سازمان ملل و آی.ال.او را همراه خود سازد.

### دوران چپاول تعاونی های

- پرونده های دزدی کلان مقامات خانه کارگر از صندوق اتحادیه تعاونی مصرف کارگری "امکان"  
- دزدی و سوء مدیریت در اندوخته های تعاونی مسکن معلم  
- پرونده های بیشمار از دزدی در سبدهای کالای کارگران

### دوران افول تعاونی های کارگری

بنا به آمار خانه کارگزار شصت هزار تعاونی ثبت شده، تنها سی درصد آنها فعال هستند. بیش از 90 درصد مراکز کارگری فاقد هر گونه فعالیت حول تعاونی های کارگری می باشند.

### تعاونی های کارگری و جنبش کارگری - کمونیستی در ایران

قدیم ترین سند مربوط به تعاونیها در "پرگرام عملیات حزب کمونیست ایران" مصوب کنگره دوم این حزب (سال 1927 در شهر رضاییه) است:

"در قسمت تشکیل شرکتهای تعاونی (کنوپراتیف ها)

حزب کمونیست ایران توسعه هرگونه شرکتهای تعاونی را از وظایف خود میشمرد. حکومت جمهوری فدراتیو ملی باید منتهی درجه کمک را به شرکتهای تعاونی بعمل آورد. مخصوصاً در قسمت جلب کردن فقیرترین طبقه های ملت بشرکت در این تشکیلات. قوانین جمهوریت ملی باید مانع شود که صنفهای ثروت دار شرکتهای تعاونی را مانند آلت استثمار و اسارت اقتصادی زحمتکشان بمنفعت خود بکار برند."

حزب کمونیست ایران بدون ذره ای تردید در عرض بیست سال فعالیت خود طبقه کارگر ایران را باندازه صد سال جلو برد. در دل



آگاهی و سازمانیابی میان آنها عمل میکند. او از سازماندهندگان اتحادیه ای طرفدار سخت گیری در شرایط عضویت کارگران و از جمله تعهد به پرداخت حق عضویت است، افتخاری از طرفداران ضرورت برنامه ریزی دقیق اعتصاب و از جمله لزوم صندوق مالی است. دسترسی پیشروان طبقه کارگر ایران از سعادت دسترسی به آژیتاسیونهای او در جمع کارگران برای خیز برداشتن به سوی "غیرممکن ها" یک سعادت است. (شرح بیشتر در مقاله ضمیمه صفحه ۱۰)

### اردشیر آوانسیان

ارزش فعالیتهای کمونیستی و طبقاتی او در غنا بخشیدن به مفهوم اتحادیه در ابعاد اجتماعی و در دل توده های کارگر و زحمتکش است. او از بنیان گذاران اتحادیه کارگران قالیباف در ماموریت حزبی خود به خراسان است. مقالات "مجله کمونیست" در دشواری "یک اتاق کار محق مرکب از یک حصیر و لحاف و دشتک و بالش و یک کوزه آب" با تشریح شرایط کار کارگران اساسا خردسال از ادبیات کلاسیک کارگری - کمونیستی ایران ماندنی است، اما ماندنی تر الگوهای دخالتگرایانه و عملی این اتحادیه در شرایط زندگی کارگران قالیباف است. (شرح بیشتر در مقاله ضمیمه صفحه ۹)

در میان فعالیتهای آوانسیان در گیلان به موازات ماموریتهای اتحادیه ای، مسئولیت "مجمع فرهنگ" شایان توجه است: "یکی از خدمات مجمع تشکیل کلاسهای اکابر برای محو بیسوادی بود ... در نتیجه کار این مجمع بین بینوان عده ای از بانوان گیلان بابتکار روشنگر خانم، جمله صدیقی و سکینه شهرنگ به تشکیل "جمعیت سعادت نسوان" زدند. قابل توجه است که اولین جشن هشت مارس با نصب عکس کلارزتکین رهبر زنان جهان توسط این جمعیت در رشت در سال ۱۹۱۸ برگزار شد... اینجانب شخصا عضو منتخبه دستگاه رهبری مجمع فرهنگ، معلم کلاس اکابر، عضو جمع اجرایی (مجمع اکتورال) مجمع و از موسسین مدرسه دهقانی در قریه ویشگاه و مامور تبلیغات در دهات بودم."

### تعاونیها و مبارزات کارگری در دوره معاصر

تاریخ معاصر جنبش کارگری- کمونیستی ایران خالی از پدیده تعاونی ها است که اساسا با جایگاه حاشیه ای مبارزات اقتصادی طبقه کارگر بهم گره میخورد. یک طرح کلی از برآمدهای جنبش کارگری در ایران قابل ترسیم است:

- بر متن دوره ای از شدیدترین محرومیت ها اساسا شامل کابوس نان و معاش، دستمزدهای ناچیز و معوقه بطور ناگهانی اعتصابات بزرگ و همه گیر آغاز میشود.

- سریعا دولت طرف حساب اعتصاب شده و پس از چند روز سرکوب و زور ... قوانین و وعده ها و تعهداتی بسیار فراتر از ظرفیت اعتصاب جاری را بعهده میگیرد.

- پس از کشمکش کوتاه اولیه و یک دور فرسایشی برای آزادی کارگران زندانی دوره جدیدی از محرومیت آغاز میگردد، وعده ها و اجرای قوانین فراموش میگردد.

بعضا این روند بعنوان "خصلت عصبانی اعتراض طبقه کارگر در ایران" نامیده شده است، هر چه باشد این روند گواه ستنهای ضعیف نسبت به مبارزه اقتصادی میباشد که بنوبه خود مبارزه ای ضعیف و ناپیگیر از آب در میآید. خصوصیات مبارزه دارای وجوه زیر است:

- خیابان و تظاهرات جلوه های اصلی آن است  
- ضد رژیمی است ولی عمدتا در چهارچوب آلترناتیوهای سرمایه دست و پا میزند، خصوصی و دولتی! مدیریت خوب یا بد، سرمایه داری فاسد و رانت خوار، مخالفت با تغییر قانون کار و ...

- بی توجهی آشکار به نتایج اقتصادی مبارزه معین و غلطیدن به ارزیابی های انتزاعی و دلخواه (سیاسی)

- عدم توانایی کارگران و تشکلهای آنها در پیشبرد مبارزات موثر و طولانی

- بی تفاوتی به ابعاد مبارزه در محلات زیست کارگری

### دلایل بی تفاوتی به تعاونی ها در جنبش کارگری ایران

- وجود سایه سنگین دولت در این عرصه: قوانین، اجازه نامه ها، لزوم رابطه علنی با ادارات

- سایه سنگین سوابق دزدی مراجع رسمی

- عدم وجود مراجع قانونی روشن برای پیگیری دعاوی تعاونی ها

- وجود یک بازار سیاه بی در و پیکر

- سیاست های اقتصادی بحرانی و غیر قابل پیش بینی

شرایط قابل قبول اقتصادی به زانو درآورد. منطق کارکرد اقتصادی سرمایه داری بر تعدی بی وقفه به دستمزد و معیشت و شرایط کار کارگران استوار است. هیچ تعاون و هیچ اعتصاب پیروزمندی جز زمانیکه بر این دست درازی فایق نیامده نه قابل اطمینان و نه حتی غرور انگیز است. تعاونی ها ابزاری در دست اتحادیه ها برای دستیابی به بهترین تخته پرش ممکن میتواند عمل کند.

### چرا تعاونی های کنترل کارگری یک سیاست غلط است؟

این تعاونی ها مادامکه در چهارچوب بازار سرمایه داری حرکت میکند سریعاً به یک موتور قدرتمند تفرقه و بهره کشی از کارگران عضو تبدیل میگردند. چنین تعاونی مستلزم یک سرمایه اولیه مناسب که با توجه به سطح تکنیک و مکان و گمرکات و بهره قروض آن، اگر غیر قابل حل نباشد، از همان ابتدا بختی در خارج از دایره کنترل اعضا به آن تحمیل میکند. حتی مصادره و واگذاری مجانی واحد تولیدی تغییر اساسی در اصل مساله ایجاد نمیکند. مادام که فروش محصول و سود حاصله چرخش تولید را تضمین میسازد، محصول قابل رقابت مستلزم کاهش هزینه نیروی کار خواهد بود. به این ترتیب کارگران داوطلبانه به چماق سرمایه تبدیل میگردند. این همیشه جزو سیاست شناخته شده و یک آرزوی آشکار سرمایه بوده است که کارگر را در "واقعیت" تلخ حفظ تولید و تهدید رقابت شریک سازد.

مساله اساسی دیگر جلوگیری از ورود تولیدات خارجی است. محدودیت ورود کالاهای خارجی یک سیاست ضد کارگری برای حفظ گردش پر سود همپالکی بورژوا با مکیدن خون رفقای هم طبقه ای در بیغوله های تولیدی و در توحش قانون کار وطنی است. تعاونی کنترل کارگری در واقع و به سادگی به معنای واگذاری کنترل بخشهای دیگر زندگی کارگر بر معیشت خویش به طبقه بورژوا است.

### تعاونی های تولید کوچک و توزیع، چرا و چگونه؟

این تعاونی ها برای تهیه مواد لازم با بسیج نیروی سازمان یافته مردم رو به دولت دارند و برای توزیع به عقل و احترام و همبستگی مردم متکی هستند.

### تعاونی ها و عرصه کار در محلات

- بنیه ضعیف مالی کارگران

- تعقیب و کارشکنی های امنیتی

- مهمتر از همه عدم وجود فعالین عملی این عرصه در میان کارگران و فقدان سنت و تجربه های موفق

### تعاونی ها رو به آینده - بازگشت به نیشکر

"سندیکای هفت تپه با شهر شوش چه خواهد کرد؟" این سوال و تشویش بزرگ جمهوری اسلامی در راس بورژوازی ایران در تلاطم های حاد آذرماه بود. در مورد نقاط قوت و تاثیرات این اعتصابات زیاد گفته شده است. اما هنوز جا دارد از یک پدیده و آنهم از تقسیم قدرت دوافکتو در شوش سخن گفت. اعتصاب نه فقط کارخانه نیشکر بلکه کل شهر شوش را در کنترل سندیکا قرار داده بود. حق داشتند. اعتصاب هفت تپه نه فقط تصفیه حساب با بن بست حکومت در پاسخ به تامین نیازهای مردم زحمتکش بود، بلکه عدم صلاحیت حکومت را اعلام میداشت و یک ادعای ساده را جار میزد: گم شوید!

امروز، روزی از روزها در بررسی نبردهای بزرگ اتحادیه های این مرز و بوم شهر شوش قبل و بعد از آذر ماه را زیر ذره بین قرار خواهند داد. سندیکا را در مقابل این سوال قرار خواهند داد: با اعتماد و همراهی و سمپاتی یک شهر چه میشد کرد و چه شد؟ سوال اینست کجا و چگونه کارگران هفت تپه و سندیکای آنها متحدتر، منسجم تر بیرون آمده اند؟

تعاونی ها به فضای قدرتمند مادی - طبقاتی این سوال تعلق دارد. این سوال مرز گذشته و آینده، مرز در جا زدن و پیروزی را رقم میزند. بدون شک تا همین جا زحمتکشان شوش و کارگران و افکار عمومی با حمایت بیدریغ تآکنونی شایسته آنند که سندیکای خود را در مقابل این سوال بیابند.

### تعاونی ها و اتحادیه ها

تعاونی ها و بهبودهای عملی حاصل فعالیت آنها به طریق اولی یک هدف در خود بوده و در پیشبرد امر مبارزه طبقاتی کارگران ضروری و غیر قابل اغماض است. اما بخودی خود، مجمع الجزایری از تعاونی ها و در غیاب نفس مبارزاتی کارگری جز بهبودهای جزئی ره به جایی نمیبرد. مبارزات اقتصادی برای پیروزی خود به اتحادیه ها نیاز دارد تا بتواند دولت را برای تامین

مبارزه طبقاتی یک کشمکش میان قدرتهای مادی و واقعی طبقات است، اتحاد و آگاهی جز در بیان سازمانی و تشکیلاتی یک افسانه (مخرب) از مبارزه جویی بیش نیست. یک مبارزه اقتصادی موفق تنها میتواند با نیروی تعین یافته آگاهی طبقاتی کارگران در مقابل بورژوازی بصورت یک تشکل یا هر درجه از سازمان یافتگی معنی پیدا کند، و تمام تار و پود این پروسه بزرگترین و واقعی ترین و عملی ترین پیشرفت طبقه کارگر در زمین سیاسی را به همراه دارد.

### پایان سخن

این نوشته نه قصد یک بررسی بدقت مستند از پدیده های مورد بحث خود، و نه ادعای کشف حلقه اصلی و گمشده و چیزی از این باب را ندارد. در عین حال تلاش شده است که یک ماتریال قابل اتکا و کار شده در مقابل فعالین کارگری و علاقمندان به این عرصه را فراهم آورد.

اینجا لیست کتابها و ماخذهایی را که با دقت مورد مطالعه قرار داده و به آنها متکی بوده ام را ذکر میکنم. واقف هستم که نوشته از کمبود ذکر منابع در جای مخصوص خود رنج میبرد. لیست زیر شاید کمکی باشد که حداقل دین خود به کار و زحمت دیگران را ادا کنم.

بیات کاوه و تفرشی مجید، "خاطرات دوران سپری شده" (خاطرات و اسناد یوسف افتخاری)

دارالشفا، یاشار. "تاریخ تحلیلی جنبش کارگری ایران".

پایدار، ناصر. "تاریخ جنبش کارگری ایران".

پرواند، آبراهامیان. "ایران بین دو انقلاب".

حکمت، منصور. "سمینار درباره مبارزات اقتصادی طبقه کارگر".

گروه نویسندگان شانگهای، "تاریخ جنبش کمونیستی بین المللی".

سامانی، جلال، "پیدایش و تکامل طبقه کارگر (از آغاز تا 1917)".

سعیدی، ناصر. "تاریخچه مبارزات و بحث های پیرامون کنترل و مدیریت

کارگری"، کتاب پژوهش کارگری، شماره 1.

مزدک. اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال-دمکراسی ایران.

مارکس و انگلس، اسناد انترناسیونال اول. حجت برزگر.

مارکس و انگلس، جامعه بین المللی کارگران، ترجمه فرهاد بشارت.

تاریخچه تعاونی ها در ایران، صفحه اینترنتی وزارت تعاون.

تعاونی ها میتواند و باید فعالیت خود را متوجه محلات زیست کارگری کند. این نقطه قوت شناخته شده تعاونی ها است، تقویت دخالت خانواده های کارگری، تضمین دخالت کارگران بیکار و بازنشسته

- تعاونی کارگری رختشویخانه های محلات شوش (یا سنجند ،

اهواز، اراک و یا بافق)

- تعاونی کارگری مهد کودکهای محلات شوش

- تعاونی کارگری بیماران دیابت (مرض قند) شهر شوش

- تعاونی تولید محصولات (از سبزیجات تا وسایل و خدمات

پیشرفته تکنیکی) محلی در شوش

- فروشگاههای تعاونی با حذف واسطه ها و با قیمت ارزان در

محلات شوش

- تعاون برای تسهیل خانه های مستاجری کارگران

- تعاون برای دسترسی به ایاب و ذهاب آسانتر برای کارگران و

خانواده های آنها

- تعاونی دسترسی به کامپیوتر و آموزش امنیت کامپیوتر

تعاونی پاتوقها و باشگاههای کارگری

...

همگی با ابتکار مستقیم اتحادیه نیشکر، تحت نفوذ اتحادیه و با

هماهنگی مسئولان اتحادیه

### در این تعاونی ها:

سود بسیار ناچیز است

کار کودکان ممنوع است

یک زن بیوه زحمتکش افغانی برای شیر بچه اش دلهره نخواهد

داشت

عالم و آدم میدانند پشتیبان مالی اتحادیه است

خانواده کارگران اعتصابی خود بخود حق برداشت مجانی

نیازهای خود را دارند.

...

مساله اساسی در این بحث اینستکه:

اولا: اینگونه فعالیتها جزو لایتنجی تدارک یک مبارزه اقتصادی

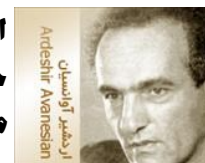
موفق نمیتواند از نظر پنهان بماند

ثانیا: اینگونه فعالیتها نمیتواند جزو لایتنجی نتایج بجا مانده از یک

مبارزه اقتصادی موفق از نظر دور بماند.



اردشیر آوانسیان



## اتحادیه کارگران قالیباف در مشهد چگونه ایجاد شد و چگونه فعالیت میکرد؟

بطوریکه قبلا گفته شد فعالیت اصلی حزب در مشهد متوجه کارگران قالیباف بود. در سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۰۹ سازمان خراسان توانست زیادی از کارگران قالیباف را متحد نموده و اتحادیه کارگران قالیباف را به وجود آورد. این سازمان تقریباً نیمه علنی بود، با وجود آنکه شرایط ورود به اتحادیه چندان سخت نبود تا مدتی پلیس نتوانست از وجود آن مطلع شود.

کارگران وضع رقت باری داشتند. کارگاهها تاریک و مرطوب بودند. کارگران از سپیده صبح تا غروب آفتاب کار میکردند و مزد ناچیزی میگرفتند. عده زیادی کودکان خردسال نیز در این کارگاهها کار میکردند. صاحبان کارگاهها این اطفال را از والدین آنها میخریدند.

... هدف اتحادیه مبارزه با ظلم و ستم ارباب، بهبود وضع زندگی کارگران و ایجاد وحدت و صمیمیت و همکاری میان کارگران بود. اتحادیه توانست کارهای مفیدی انجام دهد. طبق معمول هیأتی مرکب رئیس و منشی و صندوقدار در راس اتحادیه قرار داشتند. کمونیستها طبق معمول فراکسیونی در داخل اتحادیه داشتند، آنها الهام بخش و سازمانده اتحادیه بودند. ... زمانی تصمیم گرفته شد آماری از کارگاه و کارگران تهیه نموده و وضعیت کارگران بررسی شود تا بدین طریق بهتر بتواند برای بهبود زندگی آنان اقدام نماید. این کاری بود دشوار، زیرا در آن زمان آمار رسمی یا

غیررسمی وجود نداشت. حزب این مشکل را به این ترتیب نمود که قرار شد رفیق حسین فرح پور به کارگاهها رفته خود را مامور وزارت فرهنگ معرفی نماید، و از این راه اطلاعاتی از وضع کارگران و کارگاهها به دست آورد. وی در عرض چند ماه تقریباً از تمامی کارگاهها آمار دقیقی به دست آورد. (رفقای کارگر آدرس کارگاهها را به فرحپور میدادند). طی این مدت در هیچ جا به هویت او پی نبردند. بارها پیش میامد که فرحپور به صاحب کارگاه توییده و دستوراتی به او میداد. مثلاً اگر کارگری بیمار بود، فرحپور ارباب را وادار می کرد تا بیمار را به دکتر نشان دهد و هزینه دارو و درمان را بپردازد.

اتحادیه یک تعاونی مالی برای کارگران بوجود آورد. این صندوق با مساعده مالی و اعطای وام به کارگران نیازمند کمک میکرد. کارگران پول دریافتی را بتدریج مسترد میداشتند. برای کارگران کلاس اکابر نیز تشکیل شد. حسین پور زبان فارسی را در این کلاس ها تدریس می نمود در این حال سعی می کرد سطح معلومات عمومی و سیاسی کارگران را بالا ببرد.

... کارگران جوانی که در سازمان جوانان بودند یک تیم فوتبال تشکیل دادند. این تیم در ایام تعطیل در میدان آزادی که در مرکز شهر پشت شهربانی قرار داشت به بازی مشغول میشدند. بارها به هوای گردش از کنار میدان عبور کرده و بازی جوان ها را تماشا می کرد می کردم با خودم گفتم که این بد نیست تیم فوتبال کمونیستها در جنب اداره پلیس بازی میکند و پلیس خواب است ... به نقل از کتاب "اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دمکراسی و کمونیستی ایران

**آزادی اجتماعات،  
مطبوعات،  
تظاهرات، اعتصاب  
و تشکل**

www.a-bikari.com  
<https://t.me/alBIKARI>  
 al bikari  
 علیه بیکاری  
 @al-bikari



## اتحادیه کارگران خوزستان

### اقتصاد، سیاست، سازمندی و جسارت در قالب یک فعال کارگری

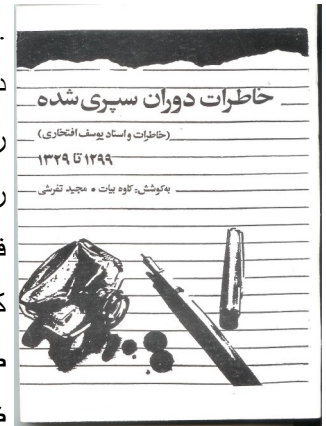
در سال ۱۳۰۶ از طرف تشکیلات مرکزی کارگران به این جانب دستور دادند که به نقاط نفت خیز عزیمت نموده و کارگران نفت را متشکل و هدایت نمایم.

... با اینکه کارگران آموزشگاه فنی در بدو تاسیس اتحادیه کارگران نفت خوزستان عضو اتحادیه سری کارگران نبودند و اتحاد آنها ظاهری و فقط برای تخفیف فشار مامورین شرکت ایجاد شده بود، کمک آنها به من برای غیبت از کار و ملاقات با کارگران دیگر که مشغول کار بودند فوق العاده مفید و ذی قیمت بود. زیرا که عده کثیری از کارگران در یک محوطه نسبتاً کوچک که با سیم محصور شده بود تمرکز یافته، افراد فعال تشکیلات میتوانستند در ظرف چند ساعت با کلیه کارگران ملاقات نموده، دستورات لازم را به آنها ابلاغ نمایند. تمرکز کارگران در محوطه محدودی برای کارگران و ایجاد تشکیلات سری بسیار خوب و مناسب بود. ولی حفظ تشکیلات سری و دایر کردن جلسات مرتب در چنین محیطی بسیار مشکل و خطرناک بود. زیرا که شهر آبادان و محله کارگران و بوریایی احمدآباد که نزدیک هم واقع شده بودند وسعتی نداشتند، برای فعالیت و کشفیات پلیس زیاده از حد مناسب بود. لذا برای اینکه پلیس ایران و انگلیس متوجه جلسات کارگران نشوند، قرار گذاشتیم که حداکثر افراد هر حوزه عبارت از سه نفر منشی و تحویل دار و صدر حوزه باشد. اعضای هر حوزه یا فامیل بودند و یا کسانی بودند که مدتها با هم معاشر و دوست بودند. بنا بر این اداره پلیس چندان توجهی به کارگران نداشت و هرگز گمان نمیکرد که در حوزه نفت خیز تشکیلاتی ایجاد شده باشد. حوزه های تشکیلات کارگری در مهرماه ۱۳۰۶ بوجود آمد.

در این حوزه ها مجربترین و فعالترین و مطمئن ترین کارگران شرکت نفت شرکت عضویت داشتند. چون کارگران نفت و اکثر اهالی خوزستان با شرکت نفت مخالف بوده و با آن شرکت متنفر بودند، ایجاد و توسعه تشکیلات چندان اشکالی نداشت، اما اداره

... کلیه محرومیتها و ناکامیهایی که در صفحات گذشته شرح دادم، عدم رضایت و دشمنی و کینه کارگران را نسبت به شرکت نفت و رژیم فراهم آورده بود. هر وقت کارگران دور هم جمع میشدند، صحبت از بیرحمیها و بیعدالیتها و ظلم و فساد شرکت نفت میآمد.

کارگران با شرکت نفت مبارزه میکردند ولی مبارزه آنها از حدود فحش و ناسزا و نفرین تجاوز نمیکرد. اکثر اوقات کارگران از خدا مسئلت میکردند که انتقام آنها را از شرکت نفت گرفته و آن شرکت را به خاک مذلت نشاند. کارگران عقب مانده نمیدانستند که در دنیا تشکیلات قوی کارگری وجود دارد که با استفاده از اصول صحیح مبارزه کارگری پیشرفته و در تحصیل حقوق حقه خود موفقیت‌هایی بدست میآورند. محیط اختناق و فشار دیکتاتور وقت و بازبهای نوچه های اینلیجنت سرویس، کارگران را از اوضاع سیاسی و کشمکشهای صنفی در دنیا بی خبر گذاشت. در نتیجه کمپانی نفت جنوب موفق شده بود که از جهالت و عقب ماندگی و عدم اطلاع آنان از تئوریهای علمی و فلسفه کار و سرمایه حداکثر استفاده را کرده، زندگی آنان را پریشان و به درجه صفر رساند. کارگران مستعد مبارزه با شرکت نفت و دیکتاتور وقت بودند، ولی راه مبارزه را نمیدانستند. کارگران میخواستند دستگاه شرکت سرنگون شود، لیکن راه آن را بلد نبودند. کارگران از شرکت نفت متنفر بودند و ناسزا و نفرین ظاهر میکردند



ما کلیه طبقات ملت ایران، مخصوصاً کارگران و زارعین ایران را دعوت میکنیم که در این قیام مقدس و به موقع با ما همصدا شده و در این موقع بحرانی که وطن عزیز ما مورد تاخت و تاز انگلیسیها واقع شده است، از فداکاری و جانبازی دریغ ننمایید. ما به دولت دست نشانده گوشزد میکنیم که ملت نجیب ایران با مذاکره تمديد قرارداد مخالف بوده، اگر این مذاکره ادامه پیدا کند دولت پوشالی ایران با قیام مقدس ملت ایران مواجه خواهد شد.

کردن و رهبریت و هدایت افراد به مقصد با نداشتن افراد وارد در مسائل کارگری بی اندازه مشکل و دشوار بود. بنا بر این مجبور بودیم بیشتر اوقات جلسات را صرف مباحثات سیاسی و تشکیلاتی کرده، بدین وسیله عده ای کادر رهبری تهیه نماییم. به همین ملاحظه در اوایل تاسیس تشکیلات بیشتر هم خودمان را صرف تعلیمات سیاسی و آشنایی کارگران با تشکیلاتهای مختلف کارگران جهان میکردیم. تشکیلات کارگران در خوزستان در یک مدت کوتاهی از انتظار ما توسعه یافت و مجبور شدیم بیشتر افراد حوزه ها را که در بدو تاسیس اتحادیه کارگران عبارت از سه نفر بودند به یازده نفر برسانیم.

... تشکیلات با سرعتی عجیب توسعه یافته بود که اداره کردنش با نداشتن کادر و سخنگویان و سازمان دهندگان کافی بی اندازه دشوار و ممکن بود در آتیه مبارزه طبقاتی کارگران دچار اختلال و کندی شود. لذا هیئت ایالتی اتحادیه کارگران صنعت نفت تصمیم گرفت به هر طریقی باشد محل معین و امنی برای تمرکز و ملاقات کارگر تهیه نماید. در ۱۳۰۷ در صدد برآمدیم باشگاهی به نام کلوپ ورزش کاوه دایر نماییم. برای اینکه کلیه اعضای سری در تاسیس کلوپ مشارکت نکرده و مورد سوء ظن پلیس واقع نشوند، نظر چند نفر از کارمندان شرکت نفت و کارمندان دولت و عده ای کارگران بیطرف را به لزوم و فداکاری برای تاسیس کلوپ ایرانی (کلوپ ورزشی کاوه) جلب کردیم... محل کلوپ را اجاره کرده و تمامی اهالی آبادان را برای جشن افتتاح اولین کلوپ ایرانی دعوت کردیم. دیگر کوشش اداره اداره شهربانی جهت بستن کلوپ و مسدود کردن راه مدعوین بیفایده بود. زیرا کارگران سیل وار به کلوپ هجوم آورده، راه مردم را برای ورود به محوطه کلوپ باز میکردند. افتتاح رسمی کلوپ به عمل آمد. از طرف اصناف مختلف سخنرانیهایی مهیج شد که تا آن روز در خوزستان بی سابقه بود. بلافاصله شرکت نفت دستور بستن کلوپ ورزش کاوه را داد و مامورین دولت برای اثبات عبودیت خود نسبت به کمپانی نفت، کلیه خوش رقصیها را برای بستن کلوپ

کارگران کردند.

برای تعلیمات و آشنا کردن کارگران با علوم و تئوری کارگران به غیر از کلوپ به مدرسه نیز نیازمند بودیم. در آن زمان دایر کردن مدارس جهت کارگران در محیط ایران، مخصوصا در محیط مخوف خوزستان علی الخصوص آبادان غیر ممکن بود. از طرف دیگر اداره کردن تشکیلات وسیع کارگری عملی نبود. بنا بر این با کمک مادی کارگران یک باب عمارت بزرگی اجاره کرده، ظاهرا چند فامیل کارگری را در آن سکونت داده و آن جا را برای تعلیمات سیاسی کارگران آماده کردیم. هر روز و عصر عده ای از کارگران طرف اعتماد تشکیلات در این مدرسه سری مشغول تحصیل زبان مادری و نظریه سیاسی بودند. دوره مدرسه سری شش ماهه بود. بهترین معلمان در این مدرسه به طور مجانی تاسیس میکردند. شاگردان مدرسه فوق الذکر بسیار جدی و با ایمان بودند. عده ای از آنان اکنون هم مشغول مبارزه صنفی و نبرد با طبقه مفت خور میباشند.

رئیس اتحادیه کارگران پشت یکی از درختهای کوتاه نخل که به جای تریبون کارگران بود قرار گرفته پس از عرض تبریک و مسئله اتحاد موفقیت کارگران، پروگرام کنفرانس اتحادیه کارگران را به شرح زیر توضیح داد.

#### ۱- گزارشات

۲- تنظیم و تصویب مرام نامه و نظام نامه جدید

۳- بحث در اطراف مسائل جاری و انتخاب کمیته ایالتی

مسئولین تشکیلات گزارش ۱۸ ماهه را به عرض نمایندگان رسانده، پس از ذکر نواقضات کار از طرف نمایندگان، نطقهای آتشین بر علیه رژیم دیکتاتوری شروع شده و مباحثات در باره طرز عملی مبارزه با شرکت نفت و رژیم دیکتاتوری به میان آمد... صدر اتحادیه اظهار داشت ما در ظرف یک سال و نیم با عدم وسائل و مساعدت از مرکز تشکیلات توانسته ایم عظیم ترین تشکیلات کارگری را در خوزستان ایجاد کرده، بزرگترین سرمایه داران انگلستان را که عبارت از سهامداران نفت جنوب هستند



در ظرف یکساعت کلیه شهر آبادان به تصرف کارگران درآمد.

کلیه سکنه خوزستان طرفدار اعتصابیون بوده و آنها را تقویت میکردند. انگلیسیها از ترس کارگران آبادان را ترک کرده در واقع شهر از وجود آنها تصفیه شده بود.

تظاهر و اقدام بر علیه تمدید قرارداد نبودند. در این موقع اتحادیه کارگران خوزستان تصمیم گرفت که با تمام قوا بر علیه تمدید قرارداد نفت قیام نمایند و اولین بیانیه را که با ژیلانتین چاپ کرده بود با وجود مواظبت و دقت کامل پلیس به اغلب دیوارهای شهر الصاق نموده و یا بوسیله پست شهری به مردم فرستادند.

#### متن بیانیه

هموطنان گرامی! تجار و کسبه و ملاکین و کارگران و زارعین زجر دیده و ستم کشیده، از وقتی که داری نام انگلیسی از سستی و بی اطلاعی و عدم علاقه سلاطین قاجار سوء استفاده کرده امتیاز نفت جنوب را برخلاف میل و صلاح ملت ایران گرفت، یگانه امید ما ایران را که بهترین یادگاری نیاکان ما است مورد تاخت و تاز ملت انگلیس قرار گرفته، آنها از هیچ گونه ظلم و تعدی و بی عدالتی و غارت و چپاول دریغ نکرده، در کلیه شئون کشور ما دخالت کرده با آنتریک و تحریک و اقدامات مزورانه ما را از بهترین نعمتهای دنیا که عبارت از آزادی زبان و مطبوعات و تشکیلات است محروم کرده، در این موقع که دنیا چهار اسبه به طرف ترقی میروند ما را از ترقی و تعالی بازداشته و چنانچه بر کسی پوشیده نیست ایران رو به انحطاط و بدبختی و زروال میروند. ما دولت فعلی را تقویت کردیم، با شیخ خزعلها و سایر خائنین کشور مبارزه و مخالفت کردیم و امبدوار بودیم که دولت فعلی نماینده افکار و منافع ملت بوده و ما را از چنگال اجانب و مخصوصا کمپانی خونخوار نفت نجات خواهد داد. متأسفانه تمام سعی و کوشش و فداکاریهای ما پوچ و اشتباه و خطا بوده است دولت فعلی که ابتدا دم از آزادی و وطنپرستی میزد، پس از اینکه مقام خود را تثبیت کرد، ماسک وطنخواهی و آزادیخواهی از چهره اش برداشته شد. قیافه حقیقی و واقعی دولت جانی و آزادی کش با تشکیل دیکتاتوری و تهدید آزادی و تشکیلاتها

اغفال نموده، سوء ظن آنها را به طرف تشکیلات موهوم ملیون معطوف کرده، شر پلیس را از تشکیلات واقعی کارگران دور سازیم.

تاسیس مدرسه سری جهت تعلیمات سیاسی کارگران مورد تایید و تمجید نمایندگان واقع شد. مدت کنفرانس 12 ساعت بود. بزرگترین و مهمترین جلسه کارگران بدون سوء حادثه خاتمه یافت. نمایندگان با خوشحالی و موفقیت به منازلشان مراجعه کردند. در اولین کنفرانس مرام نامه و نظام نامه کارگران مطرح و به تصویب نمایندگان رسید.

پس از خاتمه اولین کنفرانس اتحادیه کارگران خوزستان و اتخاذ تصمیمات جدید و تعیین خط مشی اتحادیه، کارگران شروع به فعالیت بی نظیری کرده، نظر تشکیلات کارگران جهانی را متوجه پیشرفت درخشان خود ساختند. در سال 1308 تشکیلات کارگران خوزستان بزرگترین و فعالترین تشکیلاتهای ایران محسوب میشد. در ظرف 2 سال کار و فعالیت نمایندگان، مرکز تشکیلات به قدری بزرگ و عظیم و موثر شده بود که بعضی از اعضای هیئت مرکزی گمان نمیکردند که تشکیلات این اندازه موفقیت بدست آورده باشد. تشکیلات خوزستان با حق عضویت کارگران اداره میشد و دیناری از مرکز دریافت نمیکرد.

در اوئل سال 1308 آقای سرجان کدمن منشی کل شرکت نفت انگلیس و ایران برای مذاکره در خصوص تمدید مدت قرارداد دادرسی وارد ایران شده، با دولت وقت و نمایندگان مجلس شورای ملی و متنفذین ایران وارد مذاکره شده و به پیشرفتهای مهمی نائل شده بود. اشخاص فوق الذکر یا از ترس دیکتاتوری وقت و یا در اثر تطمیع به سرجان کدمن روی خوشی نشان داده بودند و بعضی از متنفذین، اگر مخالف تمدید قرارداد بودند، در آن روزهای اختناق جرات نمیکردند علناً با انگلیسیها مخالفت نمایند. تشکیلاتهای کارگران ایران به استثنای اتحادیه کارگران خوزستان به قدری ضعیف و ناتوان بودند که قادر به هیچ گونه

#### مرامنامه اتحادیه کارگران خوزستان

- ماده 7 مرامنامه - وادار نمودن شرکت نفت به ایجاد بیمه کارگری از حیث بیکاری، پیری، حوادث و غیره.  
ماده 9 مرامنامه - شناساندن حق اعتصاب و نمایشات کارگران.  
ماده 12 - سعی و کوشش برای تاسیس باشگاههای ورزشی و تفریحی و اجتماعی کارگران.



- ظاهرگشت.
- 3- کارگران سالی یکبار مرخصی با استفاده از حقوق داشته باشند.
- 4- کلیه جرائم نقدی ملغی گردد.
- 5- برای عموم کارگران متاهل و مجرد خانه تهیه شود.
- 6- برای ایاب و ذهاب کارگران از منزل به کارخانه و برعکس وسائل نقلیه تهیه شود.
- 7- آب آشامیدنی تصفیه شده در اختیار همه کارگران بگذارند.
- 8- اخراج بدون علت کارگران که با میل انگلیسیها انجام میشود موقوف گردد.
- 9- موضوع اخراج ابد از کار و لیست سیاه (بلا تکلیفی) از بین رفته، کارگران بلا تکلیف به کار گمارده شوند.
- 10- وضع بیمارستان شرکت اصلاح شود و بایستی کلیه کارگران بیمار به حساب شرکت معالجه شوند.
- 11- کتک زدن و تعدی و بی احترامی به کارگران ملغی گردد.
- 12- آزادی و شخصیت حقوقی اتحادیه کارگران به رسمیت شناخته شود.
- 13- به معلولین که بدون پرداخت دیناری از کار برکنار شده اند نسبت به سنوات خدمت و میزان صدمه ای که دیده اند مبلغی به عنوان خسارت پرداخت گردد.
- 14- کارگران از حیث حوادث و پیری بیمه شوند.
- 15- در فصل تابستان ساعت کار از هشت ساعت به هفت ساعت تقلیل یابد.
- 16- عائله کارگران در مریض خانه شرکت بستری و به طور مجانی معالجه شوند.
- 17- برای جلوگیری از اجحافات و گران فروشی تجار و به منظور بهبود زندگی کارگران، شرکتی به نام تعاونی مصرف کارگران با سرمایه کمپانی تاسیس شود که کارگران بر آن نظارت داشته باشند.
- چون به کارگران اطلاع رسید که آقای سرجان کدمن منشی کل شرکت نفت محض اطلاع از اعتصاب عمومی کارگران با
- کلیه ملت ایران با تمدید قرارداد مخالفند، لیکن ما به خوبی میدانیم که دولت دست نشانده انگلیس به افکار عمومی کمترین توجهی نکرده و قرارداد تمدید خواهد شد. به نظر ما یگانه راه بر هم زدن تمدید قرارداد داری راندن و بیرون کردن سرجان کدمن از ایران است. سرجان کدمن از ایران با دست خالی برنمیگردد، مگر اینکه مواجه با قیام عمومی شود. قیام بر علیه تسلط انگلیسیها بر ایران، قیام بر علیه دیکتاتوری و اختناق و قیام برای به دست آوردن استقلال واقعی ایران.
- احرار خوزستان
- بعد از ورود سرجان کدمن منشی کل کمپانی نفت انگلیس و ایران و آغاز مذاکره در باره تمدید مدت قرارداد نفت و انتشار بیانیه کارگران به نام احرار خوزستان، مامورین خفیه شرکت نفت و اداره شهربانی خوزستان سخت دستپاچه شده و مامورین شهربانی به سخت گیری و بگیر و ببند و تفتیش عقاید مشغول شدند. عده زیادی از تجار و کسبه را که دارای احساسات ملی بودند بدون مجوز قانونی توقیف و از آبادان تبعید کردند.
- در 13 اردیبهشت 1308 کلیه کارگران تصفیه خانه آبادان که عده آنها عبارت از 14 هزار نفر بود اعتصاب کردند. شرکت نفت برای اینکه اعتصاب به جاهای دیگر سرایت نکند دستور داد که کارخانجات مسجد سلیمان به دلیل اینکه عید فرنگیهاست روز دوشنبه تعطیل شود. ( در آن موقع تمرکز کارگران در آبادان و مسجد سلیمان بود، هفتکل و گچساران و غیره از نظر تعداد کارگران چندان مهم نبودند.)
- اعتصابیون جلو تصفیه خانه متمرکز شده تقاضا میکردند که:
- 1- کلیه محبوسین و که به اتهام تشکیل اتحادیه و به جرم مبارزه با ورود سرجان کدمن و مخالفت با مذاکره در خصوص تمدید قرارداد داری توقیف شده اند آزاد شوند.
- 2- به کارگران بقدری حقوق بدهند که تکافوی حداقل معیشتشان را نماید.

در 1307 در صدد برآمدیم باشگاهی به نام کلوپ ورزش کاوه دایر نماییم. برای اینکه کلیه اعضای سری در تاسیس کلوپ مشارکت نکرده و مورد سوء ظن پلیس واقع نشوند، نظر چند نفر از کارمندان شرکت نفت و کارمندان دولت و عده ای کارگران بیطرف را به لزوم و فداکاری برای تاسیس کلوپ ایرانی (کلوپ ورزشی کاوه) جلب کردیم. محل کلوپ را اجاره کرده و تمامی اهالی آبادان را برای جشن افتتاح اولین کلوپ ایرانی دعوت کردیم.



عائله کارگران در اثر تبلیغات نان اوران خانه به اتحادیه کارگران گرویده و اکثر آنها در جلسات حوزه های خانوادگی کارگران شرکت میکردند.

چون در اثر تبلیغات طولانی و شرکت زنان در بعضی حوزه ها افکار آنها نسبتا باز و روشن شده بود، لذا در موقع اعتصاب زنهای کارگران کمپانی نفت تحت رهبریت بانو زهرا محمد صادق، به یاری کارگران شتافته و در تحریک و ترغیب کارگران و زد و خورد با پلیس نقش بزرگی را بازی کردند. زهرا در ضمن نطق بر علیه عملیات ظالمانه کمپانی نفت و حرکات غیر ملی مامورین دولت، رئیس کل شهربانی خوزستان را تقبیح کرده و در حضور جمعی از پاسبانها و صاحب منصبان شهربانی با صدای رسا ثابت کرد که اولیای شهربانی الت دست کمپانی نفت بوده به ملت ایران خیانت میکنند. رکن الدین مختاری مثل اینکه در مقابل حرف حساب و منطق محکم بانو زهرا هیپنوتیز شده بود، اصلا یارای حرف زدن نداشته و سکوت اختیار کرده بود. بانو زهرا به عده ای از زنان، هر آن کارگران را به مبارزه شدید و گرفتن حق خود ترغیب میکرد.

حرارت و عصبانیت و احساسات زنان بیشتر از مردان بود، زیرا عمل مردها با منطق توأم بوده و مواظب بودند از دستور تشکیلات خارج نشده، به روش عاقلانه تشکیلات لطمه وارد نیاورند. زنان برعکس کاملاً تابع احساسات شده، دائماً کارگران را به تصرف شهربانی و استخلاص زندانیان تحریک میکردند. زنها به اصول آنارشی بیشتر مایل بودند و اجباراً دیسیپلین تشکیلات را قبول داشته و اوامر تشکیلات را اجرا میکردند. عده ای از پاسبانهای شهربانی از زنان کارگر مفصل کتک خورده و بعضی از مامورین به قدری مرعوب شده بودند که در قضیه

هواپیمای مخصوص به لندن مراجعت کرد و مذاکرات در خصوص تمدید مدت قرارداد داری قطع گردید، لذا کارگران در اطراف عزیمت و مذاکره سرجان کدمن با مقامات مسئول در باره تمدید قرارداد پیشنهادی ندادند.

چون در آبادان ساختاری نظامی نبود و تعداد پلیس و پاسبان بسیار کم و برای جلوگیری از اعتصابیون کافی نبود، در ظرف یکساعت کلیه شهر آبادان به تصرف کارگران درآمد. کلیه سکنه خوزستان طرفدار اعتصابیون بوده و آنها را تقویت میکردند. انگلیسیها از ترس کارگران آبادان را ترک کرده در واقع شهر از وجود آنها تصفیه شده بود. فقط یک عده کلاه چوپ پنبه ای از آنها باقی مانده بود که وسیله تفریح و سرگرمی اعتصابیون را فراهم آورده بود. کارگران کلاه چوب را مثل توپ فوتبال به هوا پرت کرده و تفریح و خوشحالی میکردند. از مژده مراجعت سرجان کدمن از ایران و موفقیت کارگران، عموم اهالی خوزستان به استثنای چند نفر جاسوسهای شرکت خوشنود بوده و به یکدیگر تبریک میگفتند.

زنان کارگر در اعتصاب 1308

در تصفیه خانه ها و کارخانجات دیگر شرکت نفت زنان کار نمیکردند. بنا بر این تشکیل اتحادیه زنان برای ما میسر نبود. برای اینکه از قدرت عظیم زنان در تشکیلات استفاده شود، به افراد اتحادیه دستور دادیم که منسوبین و محارم خود را با افکار و عقاید و روش اتحادیه و مبارزه طبقاتی آشنا نموده، نتیجه عمل و تاثیر گفتارشان را به اتحادیه ایالتی کارگران خوزستان گزارش نمایند. کارگران دستور اتحادیه را اجرا نمودند. از این آزمایش نتایج خوبی بدست آمد که در موقع اعتصاب موجب حیرت اداره پلیس و مخصوصاً رکن الدین مختاری گردید.

### نظام نامه کارگران

شرایط عضویت:

- 1- کلیه اشخاصی که با دسترنج و زحمت خود زندگی کرده، مستقیماً و یا غیرمستقیم از زحمت دیگران استفاده نمیکند، میتوانند عضو اتحادیه باشند.
  - 2- مرام نامه و نظام نامه اتحادیه را بپذیرند
- نظام نامه افراد اتحادیه را مقید میکند به این که در جلسات اتحادیه مرتب شرکت نموده، حق عضویت خود را طبق مقررات نظام نامه پرداخته و برای پیشرفت اتحادیه کوشا بوده، اسرار اتحادیه را حفظ نمایند.
- نظام نامه اتحادیه کارگران خوزستان کلیه اشخاصی را که از دسترنج دیگران استفاده کنند، از عضویت در اتحادیه محروم کرده است. به موجب نظامنامه، انتخابات اتحادیه با رای علنی بوده است. اعضای اتحادیه تابع رای اکثریت بوده، رای نصف اعضای حاضر به علاوه یک نفر قابل اجرا بوده است.

شهریور ۱۳۲۰ آن اندازه وحشت زده نبودند.

زن‌ها میخواستند به خرمشهر رفته، مجسمه دیکتاتور وقت را سرنگون نمایند. ساختن نظامی خرمشهر از قضیه مطلع شده، عده‌ای سرباز برای محافظت از مجسمه گماشتند. غروب آن روز رئیس شهربانی به اعتصابیون پیشنهاد کرد که موقتاً اعتصاب را متوقف نمایند تا در اطراف خواستهای آنها مذاکره شود، ولی کارگران اصرار داشتند که شهربانی توقیف شدگان را آزاد نماید، تا اینکه آنها تا خاتمه مذاکره و حصول نتیجه مشغول کار شوند. بالاخره غروب رئیس شهربانی کارگران را راضی کرد تا فردا مهلت بدهند با حاکم ایالت مذاکره شود تا فردا جمع رفقاییشان مرخص شوند. کارگران به حرف پلیس اطمینان کرده شهر را به شهربانی سپرده به خانه هایشان برگشتند.

برای اینکه شبانه کارگران زندانی را از آبادان خارج ننمایند، کمیته اعتصاب جمعی از کارگران را مامور جاده اهواز نمود که ماشینها را تفتیش نمایند. مبادا محبوسین را مخفیانه به اهواز ببرند. متأسفانه جاده اهواز منحصر به فرد نبود. انگلیسیها جاده مخصوصی داشتند که معروف به بریم بود. از این جاده جز انگلیسیها و مقربین و طرف اطمینان آنان کسی دیگر حق عبور و مرور نداشت. عده کثیری از سربازان تازهوراد و پاسبانان نصف شب محبوسین را از راه بریم به خرمشهر و از آن جا به اهواز منتقل نمودند.

روز چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۸ خبر ورود کشتیهای جنگی دولت انگلیس به آبهای ایران جهت جلوگیری از اعتصاب منتشر گردید. صبح همان روز هشتصد نفر پاسبان و چند هزار سرباز ایران وارد آبادان شده، بلافاصله خانه‌های کارگران را محاصره کرده، سیصد نفر از کارگران را توقیف و بقیه را به زور سرنیزه روانه تصفیه خانه نموده اجباراً به کارکردن وادار نمودند. در همان موقع عده‌ای از زن و بچه‌های کارگران را توقیف و فوراً به اهواز گسیل کردند که دو نفر از اطفال شیرخوار از شدت گرما در بین راه جان سپردند. دولت وقت از ترس مخالفت مردم و برای تسکین افکار عامه، محض ورود زنان به اهواز آنها را آزاد نموده و التزام گرفته که به آبادان برنگردند. کلیه کارگران توقیف شده را همان روز به زندان اهواز منتقل نمودند. چون زندان اهواز گنجایش این اندازه از زندانی را نداشت، عمارت

شهرداری اهواز را تخلیه و محبوسین را در آن عمارت جا دادند. همان روز عده‌ای از کارگران مسجدسلیمان را توقیف و بدون اینکه از آنها بازجویی به عمل آید، از خوزستان تبعیدشان کردند. و نیز عده‌ای از تاجران و کارمندان آبادان را توقیف و به شهربانی اهواز فرستادند.

دستاوردهای اعتصاب

- حقوق کارگران از پانزده درصد الی پنجاه درصد اضافه شد  
- کلیه کارگران بیکار در آبادان به کار گمارده شدند  
- عموم بلاک لیستها (اخراج شدگان ابد) به کار گمارده شدند-  
کارگران مصدوم و معلول را که بدون پرداخت خسارتی از کار برکنار شده بودند از اطراف احضار کرده و با پرداخت مبلغی رضایت گرفتند.

- شروع به ساختن مسکن برای کارگران باسابقه نمودند  
- کتک و بی احترامی و اخراج بدون علت و جرایم کارگران ملغی گردید.

- از طرف اولیای کمپانی به ادارات مربوطه دستور دادند که دقیقاً به عرایض شکایات کارگران رسیدگی کرده و رضایت خاطر آنان را جلب نمایند. عده‌ای مهندسین و مامورین انگلیسی که مورد تنفر و انزجار کارگران واقع شده بودند، به زور از کار برکنار شدند.

-تبعیدشدگان در اغلب نقاط ایران بخصوص در مازندران و تهران شروع به فعالیت تشکیلاتی کرده. نتایج فراوانی از عمل آنان عاید تشکیلات سری کارگران گردید.

منبع: محمود قزوینی، اقتباس از کتاب خاطرات دوران سپری شده (خاطرات و اسناد یوسف افشاری) - بازنویسی شده است.

نشریه علیه بیکاری

مدیر مسئول: سیوان رضایی

سر دبیر: مصطفی اسدپور

تماس: آدرس ایمیل

[info@a-bikari.com](mailto:info@a-bikari.com)

مقالات این شماره توسط مصطفی اسدپور نوشته شده است.

## تعاونی های کارگری: باید و نبایدها

### چراغ راه آینده

تعاونی های کارگری از بحث های داغ مربوط به جنبش کارگری ایران به حساب می آید. تعاونی ها از عرصه های اصلی مبارزه سوسیالیستی طبقه کارگر در تاریخ جهان معاصر را تشکیل داده اند. جالب توجه اینجا است که جمهوری اسلامی بیشتر از هر حکومتی و بیشتر از فعالین کارگری سنگ تعاونی ها را به سینه میزند. تعاونی ها برای کارگر ایرانی تازگی ندارد، حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی تلاش متمرکزی را برای پا دادن به تعاونی ها در پیش داشتند. بعضا به همین دلیل رغبت کم کارگران را میتوان توضیح داد. به این تاریخ باید پرداخت. اما این نوشته به شناساندن تعاونی های کارگری اختصاص دارد، تعاونی کارگری چه هست و چه نیست و از زاویه منافع طبقاتی کارگری چگونه باید باشد؛ از این رو نوک تیز آن متوجه سازمان جهانی کار و خیل رسانه ها و اقتصاددانانی است که ظاهرا با تعاونی ها راه حلی را در مواجهه با بیکاری و فقر در مقابل توده های زحمتکش قرار میدهند.

### تعاونیها بستر همیاری کارگران!

این یک رکن تبلیغات کثیف بورژوازی علیه طبقه کارگر است. "همیاری" شاه کلید بورژوازی در تبدیل مصائب ناشی از کارکرد سرمایه به سرنوشت بد و اتفاقی آحاد کارگر است که پس از آن با خرقة مصلحین خیر بر قله های رفیع سازمان



دادن نظم اقتصادی ظهور یابد و دم از لزوم مشارکت خود کارگران در شاهراه آسایش و رفاه بزنند. "همیاری"، برای طبقه کارگر، در عوض، نه بازی در زمین بورژوازی، بلکه تبدیل این عرصه بر علیه خود آنهاست. طبقه کارگر ایران هیچ بدهی به امر انسانی و وجدان انسانی این جامعه ندارد. سالخوردگان، کودکان، شاغلین و بیکاران، بیماران و معتادان

آن جامعه بر دوش همت بی چشمداشت طبقه کارگر آن جامعه زنده اند. هر ذره از بیمارستان و مدرسه و آموزش و بیم اجتماعی، اگر در کار بود، قبل از هر چیز به مثابه منبع دیگری برای باج گیری و مرده خوری عمل کرده است. زندگی روزمره مردم زحمتکش آن جامعه مملو از خدمات داوطلبانه به بستگان، همسایه و همکار است. پرتاب صدها هزار کودک از پشت نیمکت مدرسه به نگون بختی "بازار کار" تنها ضامن نان سرفسره است، فروش کلیه، فرسایش خرد کننده اضافه کاریها، کمرهای خم شده در کلفتی و ... بهایی است که طبقه کارگر آن جامعه و مردم زحمتکش در غیاب مسئولیت دولت و دزدی های آن به جان خریده اند. دیگر بس است. تعاونی ها را لازم داریم تا در کنار اتحادیه ها، بتوانیم در عین حال بخش های دیگر طبقه را گرد هم بیاوریم، زیر سقف دیگر متحد کنیم و با خواست های روشن و مشخص کل مبارزه مان را تقویت کنیم. ما تعاونی را برای بیماران مبتلا به دیابت ایجاد میکنیم صد البته برای آنکه پیشرف های صاحب کار و دولت از وظیفه خود قصور میکنند، اما در عین حال نیروی همه کارگران از جمله بستگان و همکاران بیمار و خود بیمار را برای تنها راه برحق و موثر، یعنی تحمیل بیمه های درمانی مجانی بسیج خواهیم کرد. ما خوب میدانیم و با هر قدم در راه تعاونی ها، هزار بار فریاد میزنیم، که عامل این مصائب نظام سود سرمایه است، راه حل فوری و قطعی ما شکار لحظات مناسب برای به زیر کشیدن سرمایه داری است.

### تعاونی ها علیه گرانی!

گرانی امان همه ما را بریده است، دهها عامل میانی از قیمت دلار و نرخ بهره بانکی گرفته تا محتکر و سود جوی عمده فروش و دکان دار وضعیت را از هر گونه تحمل خارج کرده اند. تعاونیهای توزیع متداول ترین نو تعاونی است که با کوتاه کردن دست واسطه ها قیمت ها را قابل تحمل تر نمود. اما در این مورد باید بخاطر داشت تعاونیها باید از پذیرش هر گونه مسئولیت در تهیه مواد خودداری نمایند. دولت تنها مرجعی است که میتواند، از ابزارهای قانونی و بانکی و غیره برخوردار است که مایحتاج عمومی را با قیمت مناسب در دسترس قرار دهد. همه میدانیم که بازی با قیمت دست مستقیم دولت در پایین نگه داشتن سطح معیشت طبقه کارگر را با خود دارد. مبارزه علیه گرانی بخشی از مبارزه طبقه ما برای دستمزدها میباشد، و تعاونی ها نمیتواند یک ابزار برای اجرا و یا توجیه دسیسه قیمت کالاها باشد، بر عکس، تعاونیهای مصرف میتوانند موثرترین ابزار بسیج کارگران در سطح مراکز تولید و محلات عمل کنند.

### تعاونیها بستر اشتغال!

خودمختاری مادام که کارگران را بخود مشغول میسازد میتواند بطرز نامحدودی ولنگار باشد، میتواند خود را در زر ورق تلاشهای سوسیالیستی غوطه ور سازد. برای بورژوازی چه چیزی بهتر از کارگر در خیابان که برای معاش خود شرط و شروط میگذارد و خاک منافع بورژوازی خودی بر سر میریزد؟ این فریاد هر چه کارگری تر، قاطع تر، رساتر و مملو از اتهام و چه بسا براندازتر باشد، چه بهتر!

### تعاونیها یک فعالیت واقعی و در خود

بر خلاف آنچه بعضا دشمنان طبقاتی کارگران قلمداد میکنند تعاونیها سرپوشی برای اهداف سیاسی نیست. تشکیل تعاونی ها، یک هدف در خود است و باید باشد. مطلوبیت و همه زیبایی یک تعاونی در ساختار کارگری آن، در فضای تشریک مساعی و چاره جویی برای درد مشترک توسط انسانهای واقعی است. طبقه کارگر به دفتر و دستک دروغین و اشاعه نفرت علیه طبقه رقبا خود ندارد. همه زیبایی تعاونیها در این است که زخم های پیکر طبقه کارگر را از زیر عفریت موسسات مظلوم نوازانه بورژوازی متفرعن تازه بدوران رسیده ایران بیرون میکشد، و بجای آن حق طلبی را مینشانند، و نه تنها این، بلکه نتایج عملی دردنیای واقعی و بطور عاجل را میطلبد.

سازمان جهانی کار و وزارت کار و تعاون جمهوری اسلامی در برنامه مشترک از سر "دلسوزی" فریبکارانه کارگران را برای شغل و تامین پایه زندگی به ناکجا آباد تعاونی حواله میدهند. راستش همه فریبکاری آنها بر ترس امروز طبقه ما از بحران اقتصادی استوار است. قراراینستکه خود ما مسئولیت اشتغال را بعهده بگیریم و از آن لحظه مسئولیت تامین و رفاه خود و خانواده را به باد هوا بسپاریم. کنترل کارگری بر واحدهای دولتی آلترناتیو دیگری بر همین زمینه است. مادام که واحد تولیدی مد نظر بر اساس مناسبات سرمایه استوار است و فروش محصولات با قیمت و در نتیجه سود "مناسب" در گردش است، دخالت دولت از یک طرف و کاهش هزینه نیروی کار از طرف دیگر دو فاکتور تعیین کننده خواهد بود که در هر قدم یشار از قبل کارگران را در مقابل تعاونی قرار میدهد. در مقابل، خواست کارگران جز دستمزد مناسب تا زمان اشتغال، و بیمه بیکاری پس از آن، نمیتواند باشد.

### حمایت از تولیدات داخلی و دولت خودی

... و اینجاست که تنش رسوایی طرح های تعاونی رسمی و دولتی و نسخه های اصلاح طلبانه تعاونی ها از بام میافتد. قرار بود تعاونی ها نسخه کمک به اشتغال و معیشت کارگران عمل کند، اما این عمارت در مقابل ساده ترین انتظارات کارگران از همان قدم اول با خاک یکسان میشود. تعاونیها در منظر دولت جز خودمختاری تسلیم کارگران به منطق سود نیست، این

